

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری
 سر دبیر: ا. شمس
 عنوان تلگرافی
 نامه آذربایجان
 جای اداره: خیابان توپخانه
 روبروی بازار (موقتاً)

بهاء اعلانات: صفحه ۲ - ۲ ریال صفحه ۳ - ۱/۵ ریال

بهاء تک شماره: ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

شماره ۲ سال ۱۳۲۰

ه) دانش افکار جمعیت آذربایجان

شنبه ۱۴ آبان ماه

روزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامه در آذربایجان منتشر میشود روزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص در داده - و مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

انقلاب فکری لازم است

اگر نظری بادوار مختلفه تاریخ این سرزمین انداخته شود تنها دو نقطه برجسته ای در آن می بینیم که حقیقتاً میتوان گفت که آن دودوره از نقطه نظر اجتماعی و نهضت ملی و آزادی این سرزمین اهمیت بسزائی را حائز است و آن دودوره انقلاب بزرگ مشروطه ایران و دیگری نهضت اوایل دوره پهلوی میباشد. البته میتوان گفت که آزادی قلم و مطبوعات در آن دو دوره تا اندازه وجود خارجی پیدا کرد و در نتیجه روزنامه ها و مجلاتی بوجود آمدند که نویسندگان آن سعی داشتند که اوضاع استبدادی و کیف مایشائی را بقدر امکان انتقاد نموده ملت را باصلاح جامعه دعوت نمایند ولی در اینجا است که باید از خود سوال کنیم که علت چه بود که عمر آزادی و نهضت آن دوره ها خیلی کوتاه گردید و اثرات آن همه انتقادها و آن همه هیاهو و نهضت ها آنی شده و پس از آن همه کوشش و فداکاریها که ملت در راه آزادی و ترقی کشیده بود دو مرتبه اوضاع حکومت و جامعه بحال اولیه خود سهل است، بحال بدتری دچار گردید؟

جواب این سوال خیلی واضح است چه تاریخ ثابت نموده است که هر جنبش و انقلابی باید روی یک پایه و اساس محکمی بوجود آید و مادامی که وسایل فکری و معنوی انقلاب فراهم نیامده؛ هر انقلاب و جنبشی که بعمل آمده بی نتیجه و عقیم مانده است.

اگر ما در تاریخ مشروطیت ایران درست دقت نماییم می بینیم که انقلاب آن وقت پایه فکری و معنوی نداشته بلکه در اثر فشارهای طاقت فرسای پاره اشخاصیکه اختیار ملت را بزور و یا بسوایل دیگر بدست گرفته و از این اختیار سوء استفاده مینمودند و ملت را جز یک کله گوسفند تصور نکرده بکارهای وحشیانه خود بدون ترس و احتیاطی اقدام میکردند بوجود آمده بود. بقیه دارد

خیر مقدم

چندروز پیش جناب آقای جهانبانی وزیر کشور ایران تشریف فرمای آذربایجان شده اند. البته آذربایجانیان بخاطر دارند که پدر بزرگوارشان در ادوار پیشین چقدر در راه آزادی و استقلال ایران فداکاریها نموده و بالمآل در راه پیشرفت منظور مقدس خود جان خود را در این خاک پاک تسلیم نمودند.

روزنامه آذربایجان بدین وسیله ورود معظم الیه را خیرمقدم گفته و انتظار دارد که جناب آقای وزیر با احترام خون پاک پدر بزرگوارشان که در خاک آذربایجان ریخته شده تقاضاهای قانونی آذربایجانیان را دریافته و در انجام آنها عملاً مساعدتهای لازمه را خواهند فرمود

راجع به موضوع غله

خوانندگان محترم مسبقاً متذکریم که ما در شماره اول روزنامه شرحی راجع به حمل غله نوشته از جناب آقای استاندار تقاضا شده بود که در ترمین آذوقه یکساله آذربایجان توجه لازمه بشود. اخیراً در تعقیب همان موضوع مراسله ای از طرف اداره غله استان ۳ باداره روزنامه رسیده است که غله بهیچوجه از استان آباد بخارج حمل نمیشود لذا موضوع مزبور را بدین وسیله با اطلاع هموطنان عزیز میرساند تا راضی اضطراب شود. توجه خوانندگان محترم را باین نکته نیز جلب مینمائیم که در موضوع غله که در شماره اول درج شده بود مقصود ما از ترمین آذوقه یکساله شهر تریز تامین آذوقه آذربایجان بوده و بدینوسیله رفع اشتباه می نماییم.

دقت

بآقایان محترمی که روزنامه آذر-بایجان برای ایشان فرستاده میشود اخطار میشود که اگر تاشماره سوم روزنامه هارا پس نفرستند اداره روزنامه ایشان را جزو مشترکین محسوب خواهد داشت.

چرا آذربایجانیان بوجوه خود خوشبین نیستند؟

انتخابات سابق موافق اصول مخصوصی که نه اصول استبداد، نه مشروطه و نه جمهوریت بدان میتوان اطلاق نمود، انجام یافته و اشخاصی بوکالت انتخاب میشدند که قبلاً قوانین و نظامنامه هائی که بعداً احتمال میرفت پیشنهاد شود امضاء مینمودند.

ما آشکارا می گوئیم که انتخاب آن آقایان مطابق قانون اساسی و اصول مشروطیت نبوده و غیر قانونی است. حال که دولت حاضر حکومت مشروطه را شعار خود قرار داده و می خواهد مطابق اصول مشروطیت رفتار نماید نبایستی دو مرتبه همان وکلای دوره استبداد را باین ملت بدبخت تحمیل کرده و بدین ترتیب مثل دوره های سابق دست و پای آنرا به بندد. بلکه برای اینکه رضایت ملت را بخود جلب کرده و عملاً بفهماند که کارهای دوره سابق را تجدید نخواهد نمود خود دولت نیز لازم است پارلمان فعلی که فاقد صلاحیت قانونی است اعتباری قائل نشده و تجدید انتخاب بات نماید.

البته ما خود تصدیق مینمائیم که اغلب افراد ملت معنی مشروطه، قانون و پارلمان را هنوز درست درک ننموده و نمی دانند که انتخاب وکیل برای چه چیز بوده و کدام اشخاص باید بوکالت پارلمان انتخاب شوند. ولی این مسائل را نیز باید به وسیله گفتن و نوشتن بآنان فهمانید و آنان را بحقوق خویش آشنا نمود و جز این چاره دیگری بنظر نمیرسد. بهمین منظور است که ما کوشش خواهیم نمود که در شماره های بعد مرتباً مقاله هائی راجع به ترتیب انتخابات و وظیفه و کلاء پارلمان در حکومت مشروطه بنگاریم تا افراد ملت کم کم بمعنی قانون و اصول مشروطیت آشنا شده بتوانند از حقوق حقه خود دفاع نمایند.

نظر بر اینکه ما در شماره قبل مختصری راجع بوکلائی آذربایجان نوشته بودیم اینک در این شماره خواستیم نظریه خود را در این موضوع مفصلاً شرح داده و مقصود خود را بطور صریح بفرماییم:

مسلم است که وقتی روزنامه آذربایجان بدست آقایان و کلا میرسد قبل از همه چیز اخطار جمعیت توجه آنان را بنوعی جلب خواهد نمود و پس از خواندن آن بالطبع اخیسای خود را توهم کرده مسکن است حرفهائی نیز پشت سرما بزنند و باینکه خود آنان وجداناً گفته های ما را تصدیق خواهند کرد بگویند که روزنامه آذربایجان نبایستی باین صراحت لهجه اخطار سلب اعتبار را در شماره اول خود بنویسد.

ما در جواب آن آقایان میگوئیم که روزنامه ما هیچوقت با کسی غرض شخصی نداشته و مثل بعضی روزنامه های سابق نیست که با نوشتن فحش و ناسزا اشخاص را تهدید کرده و بدین وسیله کیسه طمع خود را پر نماید و همچنین خیال جار و جنجال و هیاهو را نیز ندارد بلکه علت نوشتن اخطار سلب اعتبار اینست که آنان موافق اصول مشروطیت انتخاب شده و وکلای قانونی ملت نیستند! در دوره حکومت سابق که ظاهراً حکومت مشروطه بوده ولی باطناً حکومت استبدادی سهل است که از حکومت بربریت نیز گذشته بود! اغلب افراد ملت در مدت بیست سال اخیر اساساً از وجود پارلمانی در تهران بی اطلاع بودند و پاره اشخاص نیز که از پارلمان و وکیل چیزی بگوشان خورده بود از کیفیت انتخابات و انتخاب شدگان بی خبر بوده و فقط ممکن بود که در موقع عبور از خیابان تصادفاً باعلان انتخابات برخورد کرده باشند. میتوان گفت که در حقیقت

نطق آقای ملایری

در مجلس شورای ملی - راجع به

گشایش شیلان آقایی مدرس

آقای الایزی - عرض بنده امروز مربوط بواقعه است که در دنیا نظیرش کم اتفاق افتاده گریخته آقایان محترم اغلب راجع باینست داد املاک و پول و جواهر سخن سرانی فرموده اند ولی بقیه منطبق گوهر گران بهای یک مملکت انسان و آدم کشور است که اگر از دست رفت بلاعوض نیست

یک یارون ایتالیائی در بانصد سال قبل میکویید که اگر مالی از دست شما رفت غصه نخورید مال عوض دارد و اگر حیثیت شما در شرف رفتن باشد آنهم اعاده اش ممکن است ولی کوشش و سعی کنید که شجاعت خود را از کف ندهید بلکه اگر ملتی فاقد شجاعت شد هیچ عوض ندارد

هنه آقایان محترم میدانند بشهدات حسن و ناریخ مثل مرحوم مدرس مقتول سیدی بزرگ و شجاع که توام باشد با وطن خواری و بلندی فکر و پاک دامنی نه من دیدم نه دایمانی خبر داد

این روز گوار چون وحی اوهستم بموجب خطوطی بخندیده اش و تاریخچه هیئت ساله ای که یادداشت دارم چنانچه بوده و شده در بارز کشتن آن مرحوم اینطور عقیده داشتم که این قتل فجیع در ۱۹۳۱ رمضان سه سال قبل بوده ولی بگذرم از آقایان رفح اشتباه نموده و فرمودند ۲۶ رمضان تحقیقا کشته شده است باین ترتیب که عرض آقایان میرسانم بعد از اینکه نوای معزوف خانگی نظمیته ماموریت استی مرحوم را پیدا میکند وزارت معاهده در ضمن وزارت متبوسه که اشکای در اینج شورش خیال داشته که مدرس را وارد خراسان کند

امر بقتل مدرس میشود اول بر رئیس نظمیته جواف امر می شود ایشان آبا

راجع به پست

یکی از عوازل مهم تولید امنیت که در حسن جریان امور بازرگانی و غیره نیز تاثیر بسزائی دارد ایجاد ارتباط مرتب پستی بین مرکز و استانها و نقاط حناس دیگر کشور میباشد

با مدارکی که در دست است تا سوم شهریور ماه سال جاری پستهای تبریز تهران و نقاط دیگر که با تبریز مبادله پستی دارند با تاخیرات فاحشی حمل و نقل میشوند صرف نظر از اینکه بطی جریان حمل و نقل پستهای تاخیر ایصال نامه های جمهور و زبان توده بازرگانان و پیشه وران میباشد در امور ادارات دولتی نیز تاثیرات سوئی داشته و موجبات پاره بی ترتیبی ها و وقفه کار را فراهم مینماید متاسفانه وزارت پست و تلگراف و اداره مرکزی پست بعوض اینکه در

میورزند باین معنی که موقع مقتضی نیست و بعلاوه در سرحد کشور اسلام افغانستان واقع هستیم مبادا کشتن سید بگناه اسباب شورش فراهم نماید و من مصلحت نمیدانم از خراسان بیک نفر صاحب منصب که فعلا در قم است رئیس نظمیته که کاظم میرزا جهانسوزی است و سابقا در جوانی نوکر رئیسالتجار خراسانی بوده بادو نفر از اجزاء تأمینات مامور قتل سید میشوند داوطلبانه میروند بخواف سید را از خواف حرکت میدهند به ترشیز که کاشمر باشد در خانه شخصی نجازی مرحوم سید هم روزه بوده عصر سوار بر آتش مینمایند و چائی را دم میکنند و مقارن یکساعت بغروب مانده روز ۲۶ رمضان سیم مهابک را در چائی میریزند و به آقای مدرس تکلیف خوردن مینمایند ایشان می گویند که هنوز افطار نشده صبر کنید افطار خواهیم خورد می گویند باید بخورید و چاره ندارید بعد که قضیه را ملتفت میشود اجازه دور کت نماز می خواهد اجازه میدهند سید میایستد و بقبله مثل جدش موسی بن جعفر و متوجه بمیدم میشود تا مقارن مغرب بعد می فرماید بد هید بخورم استکان چائی مسموم را لاجرم سر میکشد و بازدنیاله راز و نیاز خود را بیدرگاه خداوند جل و علا شروع میکند سه نفر قاتل نشسته و منتظر اثر سم میباشند ساعتها میکرد و اثری نمی بینند و بعلاوه سید را با کمال بشاشت و چهره باز متوجه بخالق و مشغول اذکار می یابند اینجا است پست فطرتی و نانجیبی و ننی دانم چه اسمی به روی اینکار باید گذاشت که هر سه نفر در حال نماز و راحه می نمایند این بودرس گذشت استدعای من از مجلس و مقام ریاست این بود که از نظمیته و شهربانی مرکز اسم آن دو نفر تاهیناتی که همراه جهانسوزی رئیس نظمیته فعلی قم بوده اند برای ذکر در تاریخ بمن بدهند و اسم آن شخص محترم و با شرفی که ابتدا باو تکلیف شده و ابا نموده است آنهم لازم است که بدانم

قابل توجه

از آقایانی که مقاله و یا شعر برای درج در روزنامه آذربایجان بداره می فرستند تمی میشود که مقاله و یا شعر خود را امضا نموده و اسم نام خانوادگی خود را بطور روشن بنویسند و در صورتی که امضا نداشته باشد در روزنامه درج نخواهد شد

اینموقع نسبت بتسریع حمل و نقل پستها توجهات بیشتر و موثری مبذول دارند بقرار معلوم دستور داده اند که عجلاتا هفته دوپست بین تبریز - تهران مبادله شود (تا سوم شهریور ماه هفته چهار پست بود) اینک با توجه باین موضوع اقدامات لازم را از اولیای امور صلاحیت دار انتظار داریم

قلب گداز برداری

البته خوانندگان گرامی کم و بیش از اوضاع نخ که از یک ال ناین طرف در تبریز پیش آمده آگاهی دارند که در اثر گرانفروشی و اجحافات کارخانجات زیستندگی که از اندازه گذشته بود بواسطه شکایات مصرف کنندگان نخ بمقامات مربوطه وزارت پیشه و هنر دخالت نمود (اگر دخالت نمیکرد بهتر بود) در نتیجه پس از تشکیل کمیته نهایی زیاد برای ارقام نخ از طرف وزارت پیشه و هنر نرخ تعیین گردید (اگر تعیین نشده بود بهتر بود) باین معنی شرکت ننه که انحصاری بود پنبه را از زارع بیچاره با زور و تهدید بقیمت های نازل خرید و پس از اضافه کردن نفی بر آن بقیمت معینه بکارخانجات زیستندگی میداد (هر تن هفت هزار ریال) و اکنون هم میگذرد و از روی همین قیمت برای نخ صدی بانزده منفعت منظور شد و در تاریخ ۲۰/۳/۱۲ اعلان آن در هغه کشور نشر گردید (اگر نشر نشده بود بهتر بود) لذا کارخانجات نخ ریبسی بمنفعت صدی بانزده راضی نشده از فروش نخ خودداری کردند و چندین بار از طرف مصرف کنندگان نخ بمقامات مربوطه کتبا و تلگرافا تظلم گردید بر اثر این تظلمات از تهران با اداره پیشه و هنر تبریز محول گردید که توسط اداره نامبرده از گرانفروشی نخ جلوگیری بعمل آید در واقع گله را بگریک سپردند

خوانندگان محترم آقای جلالی رئیس پیشه و هنر تبریز را می شناسند که از این راه و راههای دیگری چه ثروت های هنگفتی بدست آورده و بطهران انتقال داده و خودش هم رفت خوانندگان بمقاله که در شماره دوم روزنامه شاهین در باره او نوشته شده است مراجعه نمایند

در این وقت آقای جلالی با آقای کلکته چی که مدیر کارخانه زیستندگی آذربایجان است دست بهم داده قیمت نخ را که پیش از تعیین نرخ دولت هر عمل ۱۲۰۰ ریال فروخته میشد به ۲۴۵۰ ریال بالا بردند و مصرف کنندگان نخ و مدیر کارخانجات جوراب بافی و پارچه بافی و غیره هر چه به آقای جلالی تظلم کردیم ترتیب اثر ندادند و اعراض و مکتوبات ما را مسکوت گذاشتند چونکه از طرف مصرف کنندگان بایشان چیزی عاید نمی شد ولی آقای کلکته چی با دادن منافع چند عدل نخ رضایت او را جلب میسکرد بالاخره باندازه از کلکته چی طرفداری نمود که روزی در کمیسیون پیشه و هنر در حضور بیست نفر از نمایندگان ادارات و بائندگان گفت که (من کارخانه کلکته چی را نمی توانم فدای شما بکنم شما بروید از جای دیگر نخ بدست آورید) تا کار بجائی رسید که برای وارد کنندگان نخ از شهرستانها اشکالات و محظوراتی پیش آوردند و برای نیابی

مسابقه اجتماعی

متایسه بین انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب سال ۱۳۲۴ مشروطه ایران با ذکر مطالب زیر:

- ۱ - علل ایجاد انقلاب در فرانسه و ایران
- ۲ - کدام يك از انقلاب فرانسه و ایران انقلاب اجتماعی و فکری بوده است؟
- ۳ - اثرات انقلاب در فرانسه و ایران

مقالات راجع باین موضوع از تبریز تا یکماه و از اطراف تا چهل روز قبول خواهد شد

سه مقاله از مقالات وارده از تبریز که حقیقتا قابل توجه باشد اشکال و جوائز آن بکشتال آتومان مخانی روزنامه آذربایجان است و از مقالات وارده از اطراف نیز پنج مقاله انتخاب و پنج جایزه ترتیب با برای آنها تعیین خواهد شد

وارده

اداره محترم روزنامه آذربایجان نظر بر اینکه مرام و مقصود جمعیت و نامه آذربایجان یافتن درز های جامعه و چاره جوئی بدانها است لذا اینجانبان نیز دردهائی داریم که میخواهیم گفته و چاره برای رفع آنها پیدا کنیم در صورتیکه آن نامه قبول نماید نظریات خود را بنویسیم

البته نظر بر اینکه افراد طبقات جامعه بهتر دقیق تر میشوند معایب صنفی و موانعی را که در پیشرفت و اصلاح حرفه و کار خود می بینند درک نمایند لذا دفتر روزنامه آذربایجان برای هر گونه مراسلات و حتی اظهاراتیکه از طرف طبقات ملت میرسد باز بوده و درج خواهد نمود

وقت میگذرد

مدرسه اسدی که سابقا در کلسای ارامنه جا داشت در اول سال شاگردان را جمع کردند ولی تقریبا يك ماه است که در را بسته شاگردان را سرگردان گذاشته اند و دفتر این مدرسه در کجاست معلوم نیست بنده بداره فرهنگ مراجعه نمودم گفتند صبر کنید اگر عمارت لایق در آن نزدیکی باشد مدرسه وا خواهد شد والا هرافرادی را که در مدرسه می خوانند باید بمدرسه دیگری منتقم نمود صبر و حوصله هر چند که خوب است ولی وقت میگذرد

والدین مختار اسماعیلی

نخ وسائل متعددی فراهم کردند که هیچکس بوارد کردن نخ قادر نگردد مثل اجناس قاچاقی منگرفتند و توقیف میگردند و پول گرفته رها مینمودند مانده دارد

روزنامه آذربایجان

درد پيروزان !

کاسبلوق پير يانار اود دور دوشدر جانه واويلا
 مني محتاج ايدوبدور بير متل يورقانه واويلا
 کاسبلوقدان اوزم قاره کومرک ايوده يوق خاگه
 دوچار اولدوخ بو نيل بير درد بيدرمانه واويلا
 اوشاقلار لات و عريان هر بری بر گوشده گريان
 نه چاره ايلويوم من بر سوزی عريانه واويلا
 تصور قيل سوبوق ايو کرسوسيز اودسوز نه عالمدر
 نه ايو مد نظرده يعنی يخچل خانه واويلا
 بوياندان عورت تغيريته مزاجی آند چوخ چرکين
 اوزی بد عور بايقوش تک یری ويرانه واويلا
 نه نم بير يانار زلفدار زارلدار اسکرور پيدر
 دهم وای نالهسی بيزدن گدر كيوانه واويلا
 چوبوقدان ال چکر حاشا ته دلدن ورار قلاب
 دولار دود چوبوقدان سر بسر کاشانه واويلا
 بو ايوده روزگارمدور اشکدن شمه عرض ايدسم
 اشدسه حالهی هر کس گلور افغانه واويلا
 قوا تحليله گيتدی ديش توکلدی شغل ديوانده
 آقار دی سقلم دوندی بله چو گمانه واويلا
 گوزوم باشی آخار بی قوه لوقدان متصل گوزدن
 دماغيم نساتوان لوقدان دونوب نودانه واويلا
 نه فوکل واردی نه عينک نه پانتو نه عصا الله
 چخام منده خيابانه گلم جولانه واويلا
 سعادتدن رياسته اوزوم يو خدور سوزوم کچمر
 گرك تقزين ايدم شام و سحر شيطانه واويلا
 مقامده ترقی يوخ مواجب خرجمی گورمز
 منيم تک طالعی بد گلميوب دنيايه واويلا
 بو فتنده بوش يماقدان بوشلارم چاندار اينانمزسوز
 کلمله ير کوکی سو صدمه ايلر جانه واويلا
 خلاصه بو مداری من ديدوم احبابه بلدوردم
 اولور کيم چاره ايدسي نلر غم پنهانه واويلا
 يتشدم هر کسه گوردوم او مندنده پريشان دور
 اودور بو مملکتده دوندی باغرم قانه واويلا
 گلوب دستورمر کز دن دو گل تهرانده ايش چوخدور
 بو يور بير باخ منه ، برده گلن فرمانه واويلا
 حقوقم غير مکفی والدم ناخوش اوزوم ناخوش
 اولارکي من گيدم بو وضعيله طهرانه واويلا
 حقوقم گر اولا دوبلی مني گورمز آغام جانی
 اوقدری قالموشام آج اوخشامام انسانه واويلا
 مني اولدورسه هر کس اوللام آسوده بوزحمتدن
 حقيقت در سوزوم باله دگل افسانه واويلا
 قلندر

شاهين زبان حالي !

گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 ملتين تنگه قويوب بی سر و سامان ايلديم
 سواشوب جاننه بيچاره لرون زالو کیمی
 توخماديم قانلاريني حرصله سوردوم سو کیمی
 دام صياده دوشن چاره سی بوخ آهو کیمی
 واريوخين الدن آلوب باغريلارين قان ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 رتبهسين عرشه چخاتديم نه قدر ظالم وار
 اولدروب حبسه سالوب هارداکه بر عالم وار
 ظلمی من چون سورم باخ نه عجب حال وار
 اودی (مستوفی) نی من والی استان ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 کهنه مستوفی نی من والی تبريز ايتديم
 قوجه عاجز لری سن گورنجه خونريز ايتديم
 گوندروب تبريزه خر تبريزی خرخيز ايتديم
 بوغدا سين الدن آلوب آربايا مهمان ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 خلقون املاکني زوريله الدن آيدم
 ايسديوب آغزين آچا قويوبوب حبسه سالديم
 بو قدر ثروتله دويويون آج قالديم
 ورديم آچاقلارا ايش سفله نی من خان ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 تاجرون مالنه هر نه اولا ايتديم شرکت
 نفسي من آپاروب قالدی اونا تک زحمت
 بره اون چکديم او مال اوستنه قويدوم قيمت
 يازيقيم گلدی هله ملته ارزات ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 مالياته بره اون يیدی آلوب ملتدن
 چوخی مفلس اولوب اولدوردی اوزين غيرتدن
 قالب آج اهل وعيالی چکوب ال عصمتدن
 بر بيوک توده نی من بيله پريشان ايلديم
 گورنه ايراني يخوب ظلميله ويران ايلديم
 « هوش سيز ! »

يه آقاياني که

مقاله يا شعر بروننامه مي فرستند
 آقای مجيد - مقاله شما در شماره
 بعد درج خواهد شد
 بانوراضيه فخری - مقاله شما در شماره
 بعد درج خواهد شد
 آقای م - س - مقاله شما چون امضا
 نداشت درج نگريد
 آقای علی اکبر احمدی پور - مقاله
 شما بجهت مناسب نبودن درج نگريد.
 آقای م - ر - مقاله شما چون امضا
 نداشت درج نگريد
 صاحب مکتوبی که اشعار (قندشک -
 آل سات) را تقيض کرده بود بجهت بی
 امضا بودن درج نشد
 آقای طلوعيان مقاله شما بجهت
 مفصل بودن درج نگريد
 دفتر آذربايجان

تشکر و اعتذار
 ازدوستان معظمه و ذوات محترمی
 که بمناسبت فوت جوان ناکام سيدعلی
 طلوعی خلبان نیروی هوایی در اهواز
 با حضور خود در مجلس سوگواری
 اظهار همدردی و تسلیت فرموده اند -
 سپاسگزار بوده و اگر تاخیری در بازديد
 روی دهد نهایت درجه اعتذار مينمايم.
 حاج سيد يوسف طلوعی - سيد
 باقر طلوعی - سيد مهدي طلوعی

قدر دانی
 اداره محترم نامه آذربايجان - در
 شماره اول آن نامه شرحی راجع بتوزيع
 قند وشيرینی وپيشهادی که جمعيت آذر
 بايجان نموده بودند نوشته شده بود
 اينجناب که یکی از افراد ملت بوده وبه
 اصلاح جامعه علاقه مند ميباشم پيشهاد
 جمعيت آذربايجان برای توزيع قند و
 رفع اغتشاشات وهياهوئی که در توزيع
 آن بوجود میآيد خیلی مفيد ميدانم و
 بدین وسيله از جمعيت ونامه آذربايجان
 در نوبه خود تشکر وقدر دانی نموده واز
 نامه مزبور تقاضا مينمايم که در عملی
 شدن آن نیز سعی لازم را بفرمايند .
 ک - ر

حقیقتی اولان کوچک حکايلر

چونکه خلق خزينه آدی ايشيدن کبی
 حمامه هجوم گتيروب خزينه ده چوخلی
 باشلار اويتماقدا ایدی ! حاجی ده باشين
 او باشلاره قاندى . اما حاجی رضا آقا
 بر اوزون مدت خزينه اوزی گورمه دی -
 گيندن سوينوب خزينه دن چخماق ايستمدی
 بر طرفدن ده خزينه نين قاپوسی چوخ
 کوچک اولوب سوين بخاری خزينه نين
 فضا سنده يفشمشدی و حاجی سويند يقندن
 بونلارين هيچ بريسه باخمیوردی .
 تاسف اولسون که حاجی رضانون
 بو دفعه کی استحمامی اونا چوخ باهایه
 اوتوردی . آخرده سوين بخاری اونی
 دوتوب خزينه ده بوغلدی وبوترتيله اودا
 آزادلیق يولندا جانين تسليم ايتدی !!

آزادلیق يولوندا

آلد يغمز خبره گوره اماله بازار
 حامينه براتفاق دوشمشدر که آتيدکی
 وجهله قارتلر ييزه مرح ویريروخ :
 نچه گون بوندن قباق تبريز تاجر -
 لر يندن بری حاجی رضا آقا جايچی
 يويوناق قصديله اماله بازار حامينه گيدير
 چون سابق حکومتين دوشديکندن صورنا
 حامين صاحبی آزادليقدن استفاده ايليوب
 ثواب قازانماق فکريله خزينه نين قاپوسين
 آچمشدی . حاجی رضا آقا بوندان خبر -
 دار اولوب جوانليق دوره لرین يادينه
 سالوب خزينه نوباری ايتک ايستدی
 و چوق عشقيه خزينه وارد اولدی .
 اما خزينه ده بر اوزگه عالم گوردی :

آبئىچى لىرىون احوالى

لىتوقرافى «الاطلمات»



آبئىچى لىرىون احوالى